



چند روایت از حضور دانشجویان
مناطق ۳ و ۴ در اردوهای جهادی

۵۴

از کلاس درس تا خط مقدم خدمت



عکس: فیهیمه فرخی/شهرآرا

به همت شهرآرامجله و با همراهی
دستگاه قضایی صورت گرفت

پایان شلوغی و نابسامانی در
پیاده‌روهای مقابل آرامگاه خواجه ربیع

۲



۶

روایت مسیر نوزده‌ساله قاری جوان مجله رده که
عشق به قرآن را به نسل جدید منتقل می‌کند
جادوی تشویق استاد

۷

طرح «دوشنبه‌های حقوقی» هر هفته در دفتر
تسهیلگری منطقه ۳ برگزار می‌شود
**حمایت از خانواده‌ها
با مشاوره رایگان**



به همت شهرآرام محله و با همراهی
دستگاه قضایی صورت گرفت

پایان شلوغی و نابسامانی در پیاده‌روهای مقابل آرامگاه خواجهریج



هم قدم

فرزانه شهامت یک پیاده‌رو است و تمام! آرام، خلوت و تمیز. گه‌گذار عابریانی از پایانه خواجهریج، خارج می‌شوند و در سوز سرمای صبحگاهی، قدم‌زنان، مسیر خود را به سمت مقصدشان، کج می‌کنند. اهالی محله مهر مادر و خواجهریج، سال‌ها آرزوی تماشای این صحنه را داشتند؛ اینکه وقتی از کنار آرامستان خواجهریج رد می‌شوند، اوقاتشان با دیدن دست‌فروشی‌ها، کهنه‌فروشی‌ها، معتادان و متکدیان، تلخ نشود. دوشنبه دهم آذر ۱۴۰۴، می‌تواند شروعی بی‌بازگشت برای تحقق این رؤیا باشد. اگر دستگاه‌های مسئول، همراه و پای کار بمانند، درست مثل امروز.



● جای برای تعلل نیست

جوری جیغ می‌کشد که انگار خبر بدی راشنیده است. بانویی که باگریه و سروصدا، توجه‌ها را به خود جلب کرده، یکی از کسانی است که باید قید دست‌فروشی در پیاده‌روهای اطراف آرامستان را بزند. سختش است چون مثل بقیه بساطی‌ها، بعد از دوده کسب و کار غیررسمی در این محدوده، مایل و حاضر نیست تصمیم جدید را بپذیرد. دستور قاضی عندلیب، معاون دادستان مشهد برای پاک‌سازی این محدوده از حضور دست‌فروشان، به صورت کتبی به دستگاه‌های مسئول ابلاغ شده است؛ از شهرداری منطقه ۳ گرفته تا مرکز بهداشت، سازمان سامان‌دهی مشاغل شهری شهرداری و کلانتری خواجهریج. نامه‌های قاضی محمد اسماعیل عندلیب در تماس تلفنی او با رؤسای تک‌تک دستگاه‌های یاد شده، به صورت شفاهی و با قید فوریت نیز ابلاغ شده است و این یعنی، هیچ بهانه‌ای برای تعلل در اجرای این تصمیم و تحقق خواسته اهالی، وجود ندارد.

● شرایط ویژه برای غرفه‌داران

کهنه‌فروش‌هایی که با ساک‌های کیسه‌ای و بقیچه‌های زیر بغل، نظاره‌گرواضاع هستند، جرئت اعتراض ندارند. می‌دانند کارشان غیرقانونی است و اگر با حضور مأموران کلانتری خواجهریج، اجناسشان زیر و رو شود، چه بسا جرایمی مثل فروش اموال دزدی هم به فهرست خطاهایشان اضافه شود. شکوه‌ها و گلایه‌ها، بیشتر از سوسو کسان است که با مجوز سازمان سامان‌دهی مشاغل شهری شهرداری مشهد، در غرفه‌های موقت مقابل باغ دوم آرامستان، به فروش انگشت، لباس و این قبیل اجناس، مشغول بوده‌اند. «تصمیمی که برای پاک‌سازی این محدوده گرفته شده است، به نفع صاحبان این غرفه‌ها تمام شد. با مساعدت مدیریت سازمان قرار شده امکان حضور این کسبه در دو بازار به انتخاب خودشان فراهم کنیم؛ یکی شب‌بازار خیابان امت است و دیگری، شب‌بازار هدایت که مقابل بوستان حجاب، از ساعت ۱۶ تا ۲۳ برپا می‌شود.» این‌ها را رضا محمدی، معاون سازمان سامان‌دهی مشاغل شهری شهرداری مشهد، می‌گوید که به همراه کارشناسانش در محل حضور دارد. جذاب بودن پیشنهاد اورا کسانی متوجه می‌شوند که ازدحام مشتریان در دو بازار یاد شده را به چشم دیده باشند. البته نرخ اجاره‌ای که از غرفه‌دارهای مقابل آرامگاه خواجهریج گرفته می‌شد، یک چهارم بازارهای هدایت و نبوت است؛ با این حال کسبه می‌توانند بدون پرداخت مابه‌التفاوت این نرخ، از فضای دو بازار یاد شده و امکاناتش مثل انبار، برق رایگان و... استفاده کنند. همراهی از این بیشتر؟!

● کارشناسان، موافق حذف دست‌فروشی

دورهمی کارشناسان دستگاه‌هایی که هر کدام، گوشه‌ای از سامان‌دهی این محدوده را برعهده دارند، دیدن دارد. نیروهای گشت کلانتری خواجهریج با خودرو و لباس رسمی بین جمعیت حضور دارند. نیروهای اطلاعات و عملیات این کلانتری هم زودتر از بقیه، بالباس مبدل خودشان را رسانده‌اند تا مبادا تصمیمی که

برای حذف آسیب‌ها از چهره این مکان زیارتی گرفته شده است، نتیجه‌ای معکوس داشته باشد. سه خودرو گشت جمع‌آوری متکدیان و آسیب‌دیدگان اجتماعی نیز از راه می‌رسد. خودروهای گشت رفع سد معبر شهرداری منطقه ۳ نیز پای کارند. دو کارشناس مرکز بهداشت را هم به فهرست اضافه کنید. حرف همه‌شان یک چیز است: تصمیم به جمع‌آوری دست‌فروش‌ها از مقابل دریاغ اول و دوم آرامگاه خواجهریج، بجاست؛ چه آن‌ها که مجوز دارند، چه آن‌ها که ندارند.

«قبلاً چند بار مکاتبه کردیم و گفتیم تا وقتی این غرفه‌ها از اینجا جمع نشود، جلو بقیه آسیب‌ها مثل تجمع معتادان، فروش اقام دزدی و اتفاقات دیگری از این دست را نمی‌شود گرفت.» این‌ها را محمد رضا سالاری می‌گوید که چهار سال است در واحد رفع سد معبر شهرداری منطقه ۳، خدمت می‌کند. رضا محمدی، معاون سازمان سامان‌دهی مشاغل شهری شهرداری مشهد، نیز با او موافق است؛ اینکه وجود این غرفه‌های کم‌رونق از حضور مشتری‌ها، با آن ظاهر نازیبا و اصلاح‌ناپذیر، نه به نفع محله است و نه کاسبانی که واقعا از راه درست، قصد امرار معاش دارند. آن‌هایی که از این فروشنده‌گی ظاهری، به دنبال پوششی برای درآمد‌های ناصواب هستند، تکلیفشان جداست.

● به بهانه دست‌فروشی

«التماس می‌کردند که خاله، ما یتیم هستیم. بابا نداریم. بگذار برویم. گوش من از این حرف‌ها پر است. آن‌ها را سوار ماشین گشت کردم. چند دقیقه نگذشته بود که مردی با مشت شروع کرد به کوبیدن شیشه‌های ماشین.» کارشناس گشت سامان‌دهی متکدیان، این‌ها را تعریف می‌کند و ادامه می‌دهد: پدرشان بود؛ همان که بچه‌ها مدعی بودند مرده است! خودش و خانمش آن طرف خیابان دست‌فروشی می‌کردند و بچه‌هایشان را فرستاده بودند جلو آرامستان برای گداپی. او اضافه می‌کند: دست‌فروشی‌های اطراف آرامستان، بهانه داده بودند به دست‌گذاها و بچه‌های کار برای اینکه از جاهای مختلف شهر، خودشان را برسانند اینجا برای کاسبی. اگر بساط دست‌فروش‌ها جمع شود، برخورد با این‌ها و قرآن‌خوان‌های بی‌سوادی که فقط چند آیه اول سوره یاسین را بلدند، راحت‌تر می‌شود. کم‌کم هم کاسبی‌هایشان از رونق می‌افتد.

● استمرار نظارت‌ها

تلاش شهرآرام محله مناطق ۳ و ۴ و همراهی معاونت دادستانی مشهد برای اقدام گروهی دستگاه‌های متولی، موجی از شادی و رضایت را میان اهالی محلات مهر مادر، مهر مادر شمالی و خواجهریج ایجاد کرده است. پیام‌های متعدد از سوی شهروندان و اعضای شورای اجتماعی محلات به دستان رسیده است که مضمونی مشترک و از جنس قدرشناسی دارد؛ با چاشنی ناباوری به خاطر رفع آسیبی که برایشان به گریه کور تبدیل شده بود. آن‌ها خواهان استمرار حضور دستگاه‌ها به منظور ناامن کردن این محدوده برای دست‌فروشی و تخلفات پس از آن هستند. شهرآرام محله، تا حصول نتیجه، در کنار مردم و منعکس‌کننده تلاش متولیان خواهد ماند.



شما می توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۰۳۹۲۵۸۶۶۷ در پیام رسان ایتا بفرستید.

۴



○ بانوان محله طلاب در مسیر توانمندی

توانمند کردن بانوان و درآمدزایی آنان برای خریدهای روزمره خود و خانواده هایشان، یکی از هدف های است که مرکز فرهنگی دینی حضرت زینب (س) در محله طلاب دنبال می کند. این مرکز با برگزاری کلاس های کاربردی مثل تولید سوسیس و کالباس خانگی، دوخت عبا و چادر، اصلاح و آرایش صورت و بافتنی در کنار کلاس های قرآن و زبان انگلیسی به فرهنگ سرایی کوچک در دل محله طلاب تبدیل شده است.



○ هم عهد برای ادامه راه شهدا

فرزانه شهامت! جمعی از نمازگزاران و امام جماعت مسجد امام سجاده (ع) در محله گلشور با حضور در منزل خانواده شهید محمد حسین ناظری، یاد و خاطره این شهید گران قدر را گرمی داشتند و از صبر و استقامت خانواده شهید در فراق فرزندشان تجلیل کردند. در این دیدار صمیمانه و معنوی، حاضران با مرور زندگی و مجاهدت های شهید ناظری، برای حرکت در مسیر آرمان های شهدا و حفظ روحیه ایثار و مقاومت هم عهد شدند. شهید ناظری از پاسداران سپاه انقلاب اسلامی بود که بهمن سال ۶۵، در آستانه تولد بیست و دو سالگی اش در ارتفاعات مریوان به شهادت رسید.

○ تقویت علمی دانش آموزان مسجدی

پایگاه بسیج شهید محقق در محله طلاب، با تشکیل کارگروه علمی، برای بالابردن سطح علمی دانش آموزان مسجدی، برنامه های متنوعی ارائه کرده است. یکی از برنامه ها، فراهم کردن فضای مطالعه برای دانش آموزانی است که بنا به هر دلیلی، امکان مطالعه و انجام تکالیف خود را در خانه ندارند. افزایش ساعت کار این کتابخانه که عضویت در پایگاه بسیج، شرط استفاده از آن است، از دیگر برنامه های در دست اقدام است. کلاس های تقویتی در درس های ریاضی و زبان انگلیسی برای پایه های پنجم تا نهم نیز پنجشنبه هر هفته برگزار می شود.

○ حمایت امیدبخش بسیجیان از خواهران دوقلو

بسیجیان حوزه ۲ ناحیه میثم وقتی با خبر شدند خانواده ای در محله التیمور صاحب دوقلو شده است و زندگی را در تنگنای معیشت می گذرانند، بلافاصله دست به کار شدند. یکی از بسیجیان، از خانه کوچک این خانواده بازدید کرد تا با فهرست کردن نیازها، حمایت ها آغاز شود. این خانواده که اکنون در خانه ای پانزده متری سکونت دارد، در گام نخست کمک ها، سید معیشتی شامل مواد پروتئینی و برنج را برای بهبود شرایط تغذیه دریافت کرده است. تلاش برای تأمین شیر خشک دوقلو ها نیز ادامه دارد تا والدین با امید و آرامش بیشتری از نوزادان خود مراقبت کنند.



پلاکی برای افتخار آفرین محله

هفته پیش، آیین دیدار با مادر شهید و الا مقام، عبدا... زارعی و تجلیل از وی، با حضور شهردار منطقه ۴ مشهد و جمعی از اعضای شورای اجتماعی محله محله و حید برگزار شد. شهید عبدا... زارعی فروردین ۱۳۴۷ به دنیا آمد و در سن ۹۸ سالگی به شهادت رسید. آرامگاه او اکنون در گلزار شهدای خواجه ربیع است.

رسیدگی مستقیم به درخواست های مردم

برنامه ملاقات هفتگی شهردار منطقه ۴ با حضور مدیران منطقه برگزار شد. در این جلسه، شش پرونده شهری بررسی شد و شهروندان، مسائل و مشکلات خود را به صورت حضوری مطرح کردند. محسن نعیمی مقدم پس از اطلاع از جزئیات هر پرونده، راهنمایی های لازم را ارائه داد و دستورات لازم را برای رسیدگی سریع و قانونی به دغدغه های شهروندان صادر کرد.

۶۰ هزار متر مربع آسفالت تازه در معابر منطقه ما

شهرداری منطقه ۴ از ابتدای سال جاری حدود ۶۰ هزار متر مربع از معابر آسفالت کرده است. بر اساس اعلام این منطقه، روکش آسفالت در بخش هایی از بولوار نبوت، بولوار طبرسی جنوبی، خیابان های فرعی بولوار پنجتن و همچنین بولوار مجلسی در حدفاصل ابوریحان تامیدان میزاکوچک خان اجرا شده است.



۴

مسجد جواد الائمه (ع) در منطقه مامیزبان اکران فیلم سینمایی شد

رد «مجنون» در رده

شهامت! متولیان مسجد جواد الائمه (ع) پس از چند تجربه موفق در حوزه کودک و نوجوان، اکران فیلم های فاخر در مسجد را به یکی از برنامه های ثابت خود تبدیل کرده اند. هدف این برنامه فرهنگی، نزدیک کردن اعضای خانواده ها و همسایه ها به یکدیگر به بهانه تماشای فیلم است. فیلم سینمایی مجنون که به روایت عملیات خیبر به فرماندهی شهید مهدی زین الدین می پردازد، تازه ترین فیلمی است که سه شنبه پیش، بلافاصله پس از اقامه نماز مغرب و عشا اکران شد و هزینه شرکت در آن به ازای هر نفر، ۳۵ هزار تومان بود.



روز دانشجویگرمی باد

چند روایت از حضور دانشجویان
مناطق ۳ و ۴ در اردوهای جهادی

از کلاس درس تا خط مقدم خدمت

۲۰۳

داستان جلد

فرزانه شهامت | فهرست مشغله هایشان بلند است. برخی شاغل هستند، برخی متأهل. تعدادی از آن‌ها، مسئولیت مادر بودن را نیز برعهده دارند. کلاس‌ها و درس‌های دانشگاه را هم که اضافه کنیم، دیگر جایی برای کارهای متفرقه نمی‌ماند. برای دانشجویانی که با همه گرفتاری‌های اردوهای جهادی شرکت می‌کنند، خدمت به مردم، جزو کارهای متفرقه نیست. هر طور که باشد برایش وقت باز می‌کنند، حتی اگر ناچار باشند از معدود فرصتی که برای استراحتشان دارند، صرف‌کنند. گفتنی‌های زیادی دارند از شیرینی‌هایی که در این اردوها چشیده‌اند و آن‌ها را چشم انتظار فراهم شدن فرصت خدمت دوباره نگه می‌دارد. به مناسبت روز دانشجویان با تعدادی از دانشجویانی به گفت‌وگو نشستیم که از شهروندان مناطق ۳ و ۴ هستند و در گروه جهادی شهید صدیقه رودباری، ویژه دانشجویان دانشگاه‌های غیرانتفاعی مشهد، فعالیت می‌کنند.

دل‌م‌نمی‌خواست کوتاهی کنیم



مهرامسال، باقبولی در رشته مددکاری دانشگاه حکمت رضوی به جرگه دانشجویان پیوست. لیلایزراعت پیشه که در محله مهرگان سکونت دارد، از تجربه پنج ساله فعالیتش در بسیج محلات می‌گوید و دنیای تازه‌ای که با عضویت در بسیج دانشجویی دانشگاه، برای فعالیت‌های خیرخواهانه و عام‌المنفعه فراهم شده است؛ «ماه پیش در کانال دانشگاه، خبر برگزاری اردوی جهادی در محدوده طبرسی شمالی را دیدم و ثبت نام کردم. دلم می‌خواست اگر توانایی‌هایم به درد کسی می‌خورد، کوتاهی نکنم.»

مقدمات این اردو در نخستین روز آذرماه، فراهم شد و او در بیست و یکمین پاییز زندگی خود، به دنیایی قدم گذاشت که زیبایی‌های آن فراتر از تصوراتش بود؛ «رأس ساعت ۷:۳۰ روز جمعه، به مسجدی رسیدم که محل برگزاری اردو بود؛ زودتر از بقیه رفقای جهادی‌ام، خواستم نبود که جمعه است. بسم!... دای ند به که هم‌زمان با ورودم به مسجد پخش شد، یاد امام زمان (عج) و مهرشان، جور متفاوتی به دلم نشست.»

گردهایی که باز شد

نشانه‌های خوبی که او در این اردوی یک‌روزه دریافت می‌کرد، پیوسته ادامه داشت. از همان ابتدا که قرار بود با دانش‌آموزان، ریاضی کار کند تا برنامه‌ای که به یک‌بار تغییر کرد و قرعه‌برگزاری حلقه مهدویت به نامش خورد، موضوعی که درباره آن، اطلاعات بسیاری داشت؛ «کار را با پنج شش نوجوان شروع کردم. کم‌کم تعدادشان رسید به ده دوازده نفر. سن و سالشان بین سیزده تا هفده سال بود. جواری شیفته شنیدن از امام زمان (عج) بودند که از صبح تا خود عصر، حاضر نشدند از بقیه کلاس‌های آموزشی اردو استفاده کنند. تا دلتان بخواهد در ذهنشان، سؤال و شک و شبهه بود و من در حد توانم به تک‌تکشان جواب دادم. آخر کار دیگر، صدایم در نمی‌آمد، آن قدر که صحبت کرده بودم.»

بالبخت ادامه می‌دهد: من گره‌های ذهنی بچه‌ها را باز می‌کردم و خدا درست در همان لحظات، یکی از گره‌های خودم را باز کرد؛ موضوعی که مدتی بود من را درگیر خودش کرده بود. آن قدر خوشحال بودم که بعد از پایان اردوی جهادی، برای عرض تشکر، مستقیم رفتم حرم امام رضا (ع).

مزه این زیارت با بقیه زیارت‌های عمرم فرق داشت. لیلای در این ترم تحصیلی، باید بیست واحد درسی را بگذراند. می‌داند که درس‌های ترم اول، پایه هستند و باید با نمرات خوب، سپری شوند. برای اوارزش وقت فراتر از طلاست؛ با این حال می‌گوید که برای اردوهای جهادی، حتی اگر لازم باشد از استراحتش می‌گذرد و شرکت می‌کند، به یک دلیل ساده و روشن؛ «دانشجو هستم و نمی‌توانم به کمبودهایی که در جامعه می‌بینم بی‌تفاوت باشم. من وظیفه دارم معلوماتم را نشر بدهم. به قول امیرالمؤمنین (ع)، زکات علم، نشر دادن آن است. بابت اینکه وقت، کم بیاورم برای درس خواندن، اصلاً نگران نیستم. کسی که باید به زمان و حافظه‌ام برکت بدهد، خداست. او تابه حال برایم کم نگذاشته است و از این به بعد هم کم نخواهد گذاشت.»



تازدنفس‌های پای کار



مسئولیتی را به او سپرده بودند که تابه حال تجربه نکرده بود. باید برای اردویی جهادی برنامه‌ریزی می‌کرد که ۴۲ دانشجو، برای شرکت در آن داوطلب شده بودند. همگی کم‌سن‌وسال و ترم اولی بودند، یکدیگر را نمی‌شناختند و فقط برخی از آن‌ها تجربه عضویت در بسیج را داشتند.

هرکدام از این‌ها می‌توانست برای اردوی جهادی «تازه‌نفس» و مریم شیروی که مسئولیت بخش آموزش اردو برعهده داشت، چالش باشد اما حالاکه این اردوی یک‌روزه به مقصد روستای قوژدا توابع کاشمر به پایان رسیده است، از تصوراتی می‌گوید که در ارتباط با تازه‌نفس‌های دانشگاه، تغییر کرده است: «دوستان جهادگرم، بسیار همراه و پای کار بودند. باهم اتحاد داشتند و پراورزی بودند. تقسیم کارها به خوبی انجام شد و هرکس براساس توانمندی‌هایش، گوشه‌ای از آن را به عهده گرفت. این‌ها برای ما که مدیریت گروه را برعهده داشتیم و تا حوالی اذان صبح باید بیدار می‌ماندیم، کار را تا حد زیادی ساده می‌کرد.»

شهروند محله راه‌آهن که ترم آخر رشته کارشناسی مشاوره را در دانشگاه حکمت رضوی سپری می‌کند، باید واحدهایی مثل پایان‌نامه و کارورزی را از سر بگذرانند و برای آزمون کارشناسی ارشد آماده شود؛ باهمه این مشغله‌های ام‌آبان در این اردو شرکت کرد، به همان دلیلی که به تک‌تک رفقای جهادگرش گفت: دین داریم در برابر کشور و درکنار همه گرفتاری‌های شخصی و تحصیلی، باید وقت بگذاریم برای کمک به هم‌نوعانمان. مردم نقاطی که به آن‌ها کم‌برخوردار گفته می‌شود، ظرفیت‌های زیادی دارند. باید کمک کنیم آن‌ها قدر توانمند شوند که بی‌نیاز باشند از حضور امثال ما. اردوی جهادی، سختی دارد، قبول. اما دانشجویان کار را انجام ندهد، چه کسی انجام دهد؟



دارم؛ اینکه همه چیز خوب پیش برود، بچه‌ها ریزش نکنند و منطقه آماده باشد. باید حتماً بروم حرم تا آرام و آماده باشم با چالش‌های اردو که دو ساعت خواب در شبانه‌روز، فقط بخش کوچکی از آن است. انگیزه حضور در این مسیر را به فضای خانوادگی‌اش نسبت می‌دهد و می‌گوید: پدر و مادرم همیشه در حال فعالیت‌های اجتماعی هستند. مادرم فرمانده پایگاه بسیج و پدرم فرهنگی است. من باعلاقه وارد این راه شدم و به انتخابیم ایمان دارم و هیچ چیز نمی‌تواند جایگزین عشقم به آرمان‌هایی باشد که به خاطر آن مدیریت اردوهای جهادی را قبول کردم.

صبر و تاب‌آوری، جداسدن از خود و دیدن دیگران و مشکلاتشان را گوشه‌ای از دستاوردهای اردوی جهادی برای دانشجویان می‌داند و اطمینان دارد که تجربه حضور در این فضای صمیمانه و معنوی، دانشجویان را به تکرار آن، مشتاق می‌کند.

ایمان به انتخاب



هشت ماهی می‌شود که مسئولیت گروه جهادی شهید صدیقه رودباری باریحانه صدیقی است؛ شهروندی از محله مهرگان که ترم پنجم رشته مشاوره را در دانشگاه حکمت رضوی سپری می‌کند. پر مشغله است و درکنار درس‌های دانشگاه، فعالیت‌های بسیج و هماهنگی اردوهای جهادی، باید به دغدغه‌های شخصی و شغلی‌اش هم برسد.

بالبخت می‌گوید: وقت خالی برای من معنی ندارد. از فرصت بین کلاس‌های این‌ها هنگام رفت و آمد در شهر، برای هماهنگی برنامه‌ها استفاده می‌کنم.

ریحانه پیش از مسئولیت در گروه جهادی، تجربه حضور در اردوهای برون‌شهری را نداشته، اما همکاری با بسیج پایگاه‌های محله مهرگان، تجربه خوبی برای مدیریت رادر اختیارش قرار داده است. او از چالش‌های مدیریت در اردوهای جهادی این‌طور می‌گوید: قبل از هر اردو، اضطراب زیادی



رفتم تا قدمی در راه خدا بردارم



تصمیمش را گرفته بود؛ اینکه از رشته‌ای که به آن علاقه نداشت، انصراف بدهد و عطای مدرک کارشناسی ارشد در رشته جزا و جرم‌شناسی را به لقایش ببخشد. برای منیره جعفریان که سال ۱۳۸۰، دهه دوم عمر خود را سپری می‌کرد، هیچ چیز شیرین‌تر از دانستن درباره طب سنتی نبود؛ «دوباره شروع کردم به درس خواندن؛ این بار در رشته‌ای که دوست داشتم، مدرک کاردانی طب سنتی را که گرفتم، یادگرفتن در این زمینه را با مطالعات جانبی و دوره‌های آزاد ادامه دادم. پانزده سالی می‌شود که دارم روی گیاهان دارویی کار می‌کنم. الان ترم چهارم رشته مشاوره هستم. بازگشتم به دانشگاه، برای این بود که اطلاعاتم را درباره مسائل روحی و روان‌شناختی، بالا ببرم تا بهتر بتوانم به دیگران کمک کنم.» او حالا چهل و پنج ساله است، ۲۵ سال سابقه فعالیت در بسیج را دارد و با کوله‌باری از تجربه، رهسپار اردوهای جهادی می‌شود؛ «از دوازده سالگی برای کارهای جهادی، آخرینش مرداد امسال بود که به روستای سماخون از توابع تربت جام رفتم. مشاوره طب سنتی می‌دادم. نیتم از همراهی با گروه جهادی، این نبود که آن‌ها را پایین‌تر و نیازمند کمک ببینم. رفتم تا قدمی برای خدا برداشته باشم. زنگار گناه از دلم پاک شود و فرصتی برای رشد و تحول پیدا کنم.»

درباره یک نام‌گذاری

آخرین مکالمه تلفنی‌اش با خانواده، عمیق‌تر از احوالپرسی‌های روزمره بود. کوتاه گفته بود حس می‌کند به شهادت، نزدیک‌تر از همیشه است. آن روز کلاس آموزش نظامی‌اش در شهر بانه تمام شده بود که یکی از شرکت‌کننده‌ها که منافق از آب درآمد، به قفسه سینه او تیری شلیک کرد و پرونده عمر دنیایی «صدیقه رودباری» را در آخرین روزهای مرداد سال ۱۳۵۹ بست. روی سنگ مزارش، «جهادگر شهید»، نوشته‌اند تا چراغ دغدغه‌هایش برای پاک کردن غبار محرومیت از مناطق دور افتاده، روشن بماند. با گذشت چهار دهه از شهادت این بانوی نوزده ساله، به عنوان نخستین زن شهید جهادسازندگی، نامش الهام بخش دانشجویان جهادگر در هجده دانشگاه و مؤسسه آموزش عالی غیرانتفاعی مشهد است. «عمر فعالیت‌های جهادی این دانشجویان به سال ۱۳۹۰ برمی‌گردد و از سال ۱۳۹۵، به شکلی سازمان یافته، چند بار در سال به اردوهای جهادی می‌روند. هر برنامه را هم به نیابت از یک یا چند شهید انجام می‌دهند، بلکه دعای خیر شهید، به تلاش آن‌ها برکت دهد.» این‌ها را سید سجاده بهشتی، مسئول بسیج دانشجویی دانشگاه‌ها و مؤسسات غیرانتفاعی مشهد از حوزه بسیج امام حسین^(ع) می‌گوید.

طرف حسابیم خداست

از اردوهای جهادی با تمام سختی‌هایش، شیرینی‌های آن را به ذهن سپرده است و موانعی در زندگی شخصی که با حل مشکلات دیگران، از پیش پایش برداشته می‌شوند؛ نه فقط در اردوهای جهادی، بلکه برای پایگاه بسیجی که در دانشگاه خودمان - خردگرایان مطهر - راه انداخته ایم و مسئولیت آن را برعهده دارم، هر کار انجام بدهم طرف حسابیم خدا و ائمه^(ع) هستند. کریم‌تر از آن هستند که بخواهند خودشان را مدیون کسی مثل من بکنند. این فعالیت‌ها درکنار وظیفه مادری و اشتغال در فرودگاه بین‌المللی مشهد، وقت آزاد برایم باقی نگذاشته است، او ادامه می‌دهد: دختر شش ساله‌ام را هم به اردوی جهادی بردم؛ چون نمی‌خواستم این فعالیت‌ها من را از فرزندم دور کند. وقتی در روستا می‌دیدم بچه‌های هم‌سن و سال او، چقدر در مهارت‌های دست‌ورزی، ضعیف هستند غصه می‌خوردم. کودک همسری، کودک بیوگی، غرق شدن در فضای مجازی، مشکلات اعتقادی و اقتصاد ضعیف، مشکلات دیگری بود که به چشم دیدم و به مدیران بالادست منتقل کردم. شهروند محله شهید قربانی اعتقاد دارد که دانشجویان و بسیجی‌بودن، بابت تفاوتی نسبت به مشکلات دیگران، جور در نمی‌آید و تلاش برای رفع آن‌ها، مهم است؛ درست به اندازه درس‌های دانشگاه که برای موفق سپری کردن آن، عزم دارد.



روایت مسیر نوزده ساله سیدمهرداد صالحی، قاری جوان محله رده که عشق به قرآن را به نسل جدید منتقل می کند

جادوی تشویق استاد

۴



راه تجربه

بالایی برای تبلیغ دینی ایجاد می کند. هر وقت تلاوت می کنم، خودم را در محضر امام رضا^(ع) می بینم و این بار معنوی دو چندان می شود.

● قرآن آموز دیروز، مربی امروز

یکی دیگر از آرزوهای کودکی او، برگزاری کلاس قرآن در محله و آموزش قرآن به نونهالان و نوجوانان بود. در سال ۱۴۰۰ این آرزو محقق شد و او کلاس قرآن را در محله تشکیل داد و تدریس آن را بر عهده گرفت. سیدمهرداد می گوید: خدا را شکر توانستیم با چند نفر از دوستانمان، دانش آموزان بسیاری را جذب کنیم و مسیر زندگی نوجوانانی مانند محمد مهدی اکبری و محمد طاهای حبیبی را به سمت قرآن هدایت کنیم. سال ۱۴۰۲ هم بعد از اینکه با استقبال آن ها روبه رو شدیم، به طور رسمی مجموعه قرآنی انصار الهادی را تشکیل دادیم.

کلاس های قرآن او به دلیل تنوع روش های آموزشی، استفاده از بازی ها و فعالیت های جذاب، برای نونهالان و نوجوانان محله رده بسیار محبوب شده است. صالحی درباره سبک تدریس خود توضیح می دهد: با امتیازدهی و جوایز بازی و سرگرمی، انگیزه یادگیری بچه ها افزایش پیدا می کند و محیط کلاس هم جذاب و آموزنده می شود.

سیدمهرداد اکنون به عنوان معلم قرآن در مدرسه امید ناحیه ۶ فعالیت می کند و در مسابقات قرآنی نیز موفقیت های چشمگیری کسب کرده است؛ او امسال نفر اول مسابقات دانشجویان پیام نور کشور، نفر پنجم مسابقات ملی دانشجویان کشور، نفر دوم مسابقات استانی اوقاف خراسان جنوبی و نفر اول مسابقات بسیج کشوری شده و به عنوان داور در مسابقات دانش آموزی نیز حضور داشته است.

او در پایان می گوید: در تلاش هستیم تا در مسابقات بین المللی شرکت و برای مشهد و محله ام افتخار آفرینی کنیم.



امیر و حجت شایسته نقش تعیین کننده ای داشت و مسیر زندگی او را تغییر دادند.

● آرزویی که محقق شد

از همان روزهایی که پایش به جلسه قرآن باز شده بود، یکی از بزرگ ترین آرزوهایش این بود که در صحن ها و رواق های حرم مطهر امام رضا^(ع)، مردم پای تلاوت هایش بنشینند. روزها و شب ها با این آرزو گذشت تا اینکه در اردیبهشت سال ۱۳۹۳ توانست برای اولین بار در حرم تلاوت کند و به آرزوی دیرینه اش برسد.

سیدمهرداد درباره تجربه خود می گوید: برای تلاوت در صحن ها و رواق ها قوانین خاصی وجود دارد؛ باید نزد چند استاد تست و آزمون بدهی تا سطح بندی شوی. من این مسیر را گذراندم و خدا را شکر به آرزوی دوران کودکی ام رسیدم. خیلی خوشحال بودم.

او ادامه می دهد: خواندن در حرم، آرزوی همه قاریان جهان اسلام است. تلاوت در این فضا حال و هوای خاصی دارد؛ زائرانی از اقصا نقاط جهان برای زیارت مشرف می شوند و این ظرفیت

محمد رضا فیضی نوزده سال پیش، در جلسه قرآن محله رده، سیدمهرداد صالحی برای نخستین بار قرآن را قرائت کرد و تشویق حاضران و استادان جلسه، جرقه ای شد که مسیر زندگی او را برای همیشه تغییر داد. آن لحظه کوتاه اما پر معنا، نقطه شروعی شد برای گره خوردن دوره نوجوانی و جوانی با قرآن و آمیخته شدن روزهای سیدمهرداد با صوت و تلاوت.

امروز، سیدمهرداد صالحی، جوان محله رده و فارغ التحصیل رشته علوم قرآن و حدیث، نه تنها خود یک قاری ممتاز است، بلکه با شور و اشتیاق، بیش از صد نونهال و نوجوان محله را در مسیر قرآن همراهی می کند و آینده ای روشن را برای آن ها رقم می زند. صدای او، تجربه اش و عشق به قرآن، حالا چراغ هدایت نسل تازه ای از عاشقان کلام خداست.

● تشویق استاد، آغاز مسیر قرآنی

آغاز مسیر قرآنی سیدمهرداد صالحی از یک جلسه کوچک قرآن در خیابان محصل شمالی ۱۰ در محله رده بود. جلسه ای که آن را نقطه عطف زندگی اش می داند و درباره اش می گوید: سال ۱۳۸۵ نوجوانی نه ساله بودم. به همراه دو ستم در جلسه ای به نام بیت الرضا^(ع) شرکت کردم. خواندنم خوب نبود، اما به تمام توان، تلاوت کردم و وقتی جلسه تمام شد، با تشویق استاد امیر شایسته و بزرگ ترهای حاضر روبه رو شدم.

آن تشویق ساده اما مؤثر، انگیزه ای شد تا مسیر قرائت قرآن را جدی دنبال کند. او ادامه می دهد: بعد از آن، نوارهای آموزشی استاد عبدالباسط را به سختی پیدا کردم و هر روز بین یک تا یک و نیم ساعت صوت و لحن تمرین کردم. از سوره های کوتاه شروع کردم و روز به روز صدایم و تلاوت هایم بهتر شد و در مسابقات قرآنی دانش آموزی شرکت کردم و همیشه با دست پر برمی گشتم. تا دلتان بخواهد، مقام های برتر مسابقات نواحی و استان را کسب کرده ام.

صالحی تأکید می کند که در این مسیر، حمایت خانواده و استادانی چون استاد حاج محمد کاظم حسن زاده، استاد



کلاسی که مسیرم را تغییر داد

محمد طاهای حبیبی، ۱۴ ساله

سه سال پیش با دوستم به طور اتفاقی در یکی از کلاس های استاد صالحی شرکت کردم. آن زمان دانش آموز کلاس چهارم بودم. یکی از سوره های کوتاه قرآن را بدون غلط خواندم و استاد صالحی با تشویق، یک پیکسل با نام

حضرت زهرا^(س) هدیه داد. همین تشویق ساده باعث شد با انگیزه بیشتری در جلسات بعدی حضور پیدا کنم. کلاس های استاد، ترکیبی از آموزش، بازی و فعالیت های جذاب است و همین باعث می شود هیچ وقت احساس خستگی نکنم. حضور در این کلاس ها تمرکز را بیشتر کرده و در پیشرفت درسی ام هم تأثیر داشته است. دو سال پیش توانستم در مسابقات قرآن ناحیه رتبه اول را کسب کنم و سال گذشته هم نفر اول مسابقات صوت و لحن مجموعه انصار الهادی شدم. امسال هم هدفم کسب مقام اول در مسابقات دانش آموزان پایه هشتم است.

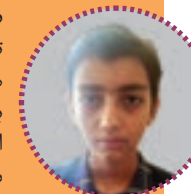


آموزش های استاد انگیزه می دهد

محمد مهدی اکبری، ۱۲ ساله

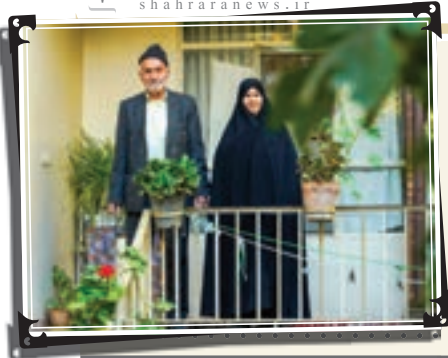
تابستان ۱۴۰۱ متوجه شدم استاد صالحی هر هفته، جمعه شب ها جلسه قرآن برگزار می کند. تصمیم گرفتم در یکی از جلسات شرکت کنم و با فضا آشنا شوم. جلسه اول برایم خیلی جذاب بود. استاد با دقت به تلاوت ها گوش می داد و هر دانش آموزی که عملکرد خوبی داشت و دانش آموزی هم که جلسه اولش بود، جایزه دریافت کرد. من در آن جلسه جایزه گرفتم و انگیزه پیدا کردم تا به طور مرتب شرکت کنم.

الان سه سال است که در کلاس های استاد صالحی حضور دارم و در این مدت توانسته ام دو جزء از قرآن را حفظ کنم. هدف من حفظ کامل قرآن کریم است. سبک آموزشی استاد با امتیازدهی و قدردانی از دانش آموزان برتر پیش می رود؛ به همین دلیل انگیزه یادگیری را افزایش می دهد و محیط کلاس هم جذاب و آموزنده است.



زندگی در نبود آب لوله‌کشی به روایت عذرا موشانی، ساکن قدیمی محله وحید

از شیرهای فشاری تا قنات تلگرد



کارها آن هم توی فصل تابستان، سخت نبود. تا برگردم خانه، مادرشوهرم خدا بیامرز، بچه‌ها را نگه داشته بود و ناهار را روی اجاق بار گذاشته بود. نان را هم همیشه خودش می‌پخت توی تنوری که گوشه حیاط بود. شوهرم یک نیسان، شاخه آورده بود، هم برای تنور، هم برای کرسی، هوا داشت کم‌کم سرد می‌شد.»

● حمام‌های متروک

هوا هنوز کاملاً سرد نشده بود که صاحب حمام عمومی حسینی، خدمتی تازه به مردم محله وحید کرد تا خانم‌های محله از رفتن تا سر قنات در هوای سرد، راحت شوند: «حمام می‌افتاد روبه روی وحید ۱۵، همان جایی که الان شده است فروشگاه زنجیره‌ای. پانصد متر حمام بود، دو ممر، یک سالن زنانه، یک سالن مردانه. صاحبش یک شیر آب گذاشت بیرون حمام و بعد از آن، دیگر لازم نبود برویم قنات.»

آن طور که بانوی محله وحید می‌گوید، بقایای متروکه حمام حسینی تا همین هفت هشت سال پیش پابرجا بود و در نهایت، به سرنوشت دیگر حمام‌های عمومی در این محدوده دچار شد؛ یعنی قطعه قطعه شدن زمین وسیع آن برای ساخت وساز واحدهای مسکونی و تجاری: «هنوز جنگ شروع نشده بود که آب لوله‌کشی به میلان مادر وحید ۱۵ آمد. کم‌کم خانه‌ها حمام دار شدند و حمام‌های عمومی از سکه افتادند؛ از حمام عمومی حاج تقی بگیر که می‌افتاد پشت بیمارستان امام حسین (ع) در محله طلاب تا حمام نمره‌ای فکور که به آن دولتشاهی هم می‌گفتند و آخر خیابان میثم بود، جای مدرسه ابو مسلم.»

رخت و لباسشان، از آن استفاده می‌کردند: «دور تا دور فشاری، همیشه خدا شلوغ بود. باید صف می‌ایستادی تا نوبت بشود. بهتر این بود که بروم سر قناتی که می‌افتاد اول تلگرد. جایی که حالا شده است بوستان بسیج.»

● رخت‌شویی در قنات تلگرد

بچه‌های قد و نیم‌قدی که بودند نشان به خانواده‌های قدیمی، معنی می‌داد به اضافه زندگی‌های جمعی در کنار خانواده همسر. باعث شده بود رفت و آمد خانم موشانی و دیگر بانوان محله وحید تا قنات تلگرد، برای شستن رخت‌های چرک و فرش‌هایشان، گاهی به دو بار در هفته هم برسد: «از خانه ماما قنات، نیم ساعتی پیاده روی داشت. لباس‌ها را می‌گذاشتم توی لگن آهنی و می‌رفتم تلگرد. دختر روستا بودم و انجام این

فرزانه شهامت شیر آب را باز می‌کند تا لیوان دسته‌داری را که در آن برایمان چای ریخته بود، بشوید. بعد هم سری به کتری روی اجاق گاز می‌زند و شعله زیرش را کم می‌کند تا آرام‌تر بجوشد. هوای خانه عذرا موشانی، در سرمای خشک پاییزی، به مدد بخاری قدیمی گوشه هال، گرمایی دلچسب دارد. هیچ‌کدام از این داشته‌ها برای او تکراری نشده است و هنوز هم بالذت و سپاس، درباره تک‌تکشان صحبت می‌کند. شاید چون خاطرات او اسطوره ۵۰ ساله را به خوبی به یاد می‌آورد: زمانی که از نیشابور و روستای کوشان (موشان)، تازه به محله وحید نقل مکان کرده بود و از امکانات امروز محله، خبری نبود.

● از کوشان تا دریا

تا همین یک ماه پیش، خبر نداشت که چند ساله است. گذرش که به بیمارستان افتاد و روی تابلو بالای تختش، اسم وفامیل و عدد ۷۲ را دید، فهمید که از خدا ۷۲ سال عمر گرفته است. پنجاه سال پیش، با زندگی روستا، خدا حافظی کرد و به خانه نوسازی آمد که شوهرش در یکی از فرعی‌های خیابان دریا (وحید) ساخته بود: «وقتی آمدیم اینجا، توی میلان خاکی مان، تک و توک خانه‌هایی بودند. آب لوله‌کشی فقط به خانه‌های راسته دریا آمده بود و بیشتر اهالی که ما هم جزو شویم، باید جور دیگری کارهایمان را رتق و فتق می‌کردیم.» او از شیرهای اهرمی قدیمی معروف به «فشاری» می‌گوید که سر هر چهارراه نصب شده بود و مردم برای پرکردن ظرف‌های آب یا شستن



طرح «دوشنبه‌های حقوقی» هر هفته در دفتر تسهیلگری منطقه ۳ برگزار می‌شود

حمایت از خانواده‌ها با مشاوره رایگان



عیدگاه

● تکیه‌گاهی برای اهالی محله

معصومه توحیدی، عضو شورای اجتماعی محله بهمن و کارشناس اجتماعی دفتر توسعه و تسهیلگری، در توصیف طرح «دوشنبه‌های حقوقی»، آن را تکیه‌گاهی برای ساکنان محلات می‌داند: خدمتی رایگان که برای بسیاری از مردمی که توان پرداخت هزینه‌های مشاوره را ندارند، فرصتی ارزشمند به شمار می‌رود. به گفته او، هرچند در مرکز شهر نیز امکان دریافت وکیل رایگان فراهم است، نزدیکی دفاتر تسهیلگری به زندگی روزمره مردم مزیتی مهم دارد: «مراجعه به این دفتر برای اهالی محله آسان تر است و می‌توانند ادامه امور حقوقی خود را در همین نزدیکی پیگیری کنند.»

توحیدی درباره میزان استقبال شهروندان از توضیح می‌دهد: به دلیل محدود بودن اطلاع‌رسانی، هنوز تعداد مراجعه‌کنندگان زیاد نیست، اما تصمیم داریم با استمرار طرح و گسترده‌تر شدن اطلاع‌رسانی، دسترسی مردم را افزایش دهیم.

به گفته او معمولاً بانوان محله بیشتر برای موضوعات خانوادگی مانند طلاق و مهریه، درخواست راهنمایی و مشاوره دارند. آقایان نیز اغلب درباره ملک، زمین، اختلافات و گاهی موارد سرقت مشاوره می‌گیرند.

می‌شود یا فرد را به مراجع قانونی مرتبط از جمله شورای حل اختلاف ارجاع می‌دهند.

مسئول دفتر تسهیلگری تأکید می‌کند که این طرح برای عموم مردم است و رایگان بودن مشاوره‌ها مشوق مهمی برای استفاده بسیاری از ساکنان از آن است: «بخش شایان توجهی از اهالی از طبقه متوسط هستند و تمایل دارند پیش از ورود به روند‌های پرهزینه، مشاوره اولیه دریافت کنند؛ به همین دلیل اجرای چنین طرحی ضرورت دارد.»

● آسبایی به نام ناآگاهی

او یکی از آسیب‌های مهم اجتماعی محلات را فقدان آگاهی حقوقی می‌داند: «بسیاری از ساکنان، با مفاهیم و روندهای قانونی آشنایی کافی ندارند و همین مسئله باعث سردرگمی در مواجهه با مشکلات حقوقی می‌شود. ارائه مشاوره تخصصی می‌تواند مسیر را برای آنان روشن‌تر کند.»

اگرچه تنها مدت کوتاهی از آغاز طرح گذشته، بازخوردها مثبت بوده است. قدیری می‌گوید: همه مراجعاتی که تاکنون ثبت شده، بازخورد مناسب داشته است. پس از پایان مشاوره، رضایت‌سنجی اولیه انجام می‌شود و تاکنون موردی با ارزیابی منفی گزارش نشده است. قدیری در پایان ابراز امیدواری می‌کند که با گسترش اطلاع‌رسانی و افزایش آگاهی عمومی، طرح دوشنبه‌های حقوقی به یکی از خدمات پایدار و مؤثر دفتر تسهیلگری تبدیل شود.

فیضی در دل محله‌های بهمن، مهر مادر، بلال و خواجه ربیع طرحی تازه آغاز شده است که تلاشی می‌کند دغدغه‌های حقوقی ساکنان را کم‌رنگ‌تر کند. «دوشنبه‌های حقوقی» نام طرحی است که دفتر تسهیلگری با همکاری دبیرخانه شهر ترمیمی راه‌اندازی کرده‌اند و به اهالی محله مشاوره رایگان ارائه می‌دهند.

این طرح از نوزدهم آبان در خیابان خواجه ربیع ۱۱ نبش کوچه شادی ۴ آغاز شده است. اما توانسته در این مدت کوتاه، توجه گروهی از شهروندان را به خود جلب کند. نزدیک بودن محل ارائه این خدمات به زندگی روزمره مردم، سادگی دسترسی و رایگان بودن آن، فرصتی فراهم کرده است تا خانواده‌ها پیش از ورود به مسیرهای پرهزینه حقوقی، اطلاعات اولیه و مطمئنی دریافت کنند.

● رایگان مشاوره حقوقی دریافت کنید

علی قدیری، مسئول دفتر تسهیلگری منطقه ۳، درباره روند شروع برنامه توضیح می‌دهد: این طرح از نوزدهم آبان آغاز شده است و تاکنون دو جلسه میزبان اهالی بوده‌ایم. مراجعه‌کنندگان مختلفی در این مدت، برای دریافت مشاوره رایگان حضور پیدا کرده‌اند. او درباره شیوه ارائه خدمات این طور می‌گوید: مشاوره‌ها در حال حاضر به صورت شفاهی انجام می‌شود. چنانچه پرونده‌ای پیچیدگی بیشتری داشته باشد، وکیل یا جلسات تکمیلی تعیین



طلاب، گلشور، ایتار، تلگرد، وحید، فجر، رده، پنجتن، شهید قربانی
التمور، کوی مهدی

محلات منطقه‌ها

راه آهن، فاطمیه، گاز، مسلم، دروی، سپس آباد، طبرسی شمالی، عباس آباد
رسالت، خیرآباد، بهمن، خواجه ربیع، مهر مادر، بلال، قرقی، مهرگان



فاطمه خانم بهرامیان، بیش از چهل سال است
که در این معبر سکونت دارد. فرزند بیست ساله
او، سید علیرضا سیدی، در آخرین روزهای آبان
سال ۱۳۶۱ در سنج به شهادت رسیده است.

بنای «بیت الزهرا (س)» در این معبر و روبه روی دبستان
لکزایی قرار دارد. این فضا صرفاً دارای کاربری مذهبی
نیست و با برگزاری کلاس‌های ورزشی، پیش دبستانی و
دوره‌های تابستانه، به اهالی خیرآباد، خدمت می‌کند.



کوچه خاطره ساز دختران دبستانی

فرزانه شهامت | کوچه شیخ صدوق ۱۵ به دلیل نزدیک بودن به تقاطع راهبردی و پرتراфик رسالت-
شیخ صدوق (معروف به چهارراه درمانگاه سیلو) از یک سو و بولوار طبرسی جنوبی از سوی دیگر، از معابر
مهم منطقه ۳ به شمار می‌رود. پیاده روی در این معبر با طول حدود ششصد متر، کمتر از هفت دقیقه
زمان می‌برد و شمارا با عبور از بیست فرعی، به معبر المهدی غربی ۵ با انبوه واحدهای تجاری و خدماتی
می‌رساند.

شیخ صدوق ۱۵
محله خیرآباد



منازل مسکونی در این معبر برای اصلاح
عرض سواره رو، مشمول عقب نشینی هستند.
این اتفاق به صورت کامل رخ نداده و بافت
مسکونی غالب کوچه، دست نخورده است و
بسیاری از خانه‌ها به سبک قدیم، همکف یا
یک طبقه هستند.

باتوجه به بافت مسکونی متراکم این کوچه،
بوستان ارکیده و نیز کاربری‌های مذهبی و آموزشی،
تردد عابران پیاده زیاد است. در چنین شرایطی،
برخوردار از پیاده‌روهای حدود سه متری، برای
تسهیل در تردد آن‌ها، از مزایای معبر به شمار
می‌رود.



مدرسه شهید حسین لکزایی، برای بسیاری از
دختران محله خیرآباد، خاطره‌انگیز است. قدمت این
دبستان که آموزش در مقاطع اول تا ششم ابتدایی را
عهده‌دار است، به ۴۲ سال بالغ می‌شود.